انتظار ما همان انتظار قانون اساسی است

غلامحسین کرباسچی
دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی

● برخود را از دو منظر باید مورد بررسی قرار داد. یکی برخورد مودی با افراد که سابقه نشان می‌دهد دیدگاهی بسیار منفی در مجموعه بخش‌های دولت وجود داشت. به نظر می‌آمد این نوع برخورد به این برمی‌گشت که دولت، دوست داشت مستقیما با مردم صحبت کند و با احزاب و گروه‌های سیاسی، کاری نداشته باشد و اگر از منظر کلی هم بخواهیم نگاه کنیم بازار در همین قالب است، چون سیاست دولت در این هشت‌سال سیاست رشد احزاب به عنوان پایگاه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نبوده است، ذهنیت دولت این بود که احزاب، جایگاهی در میان مردم ندارند، وجودشان هم ضرورتی برای کشور ندارد، در واقع اعتقادی به کار حزبی و تشکیلاتی وجود نداشت.

البته در کنار این برخورد‌ها، خودشان نام حزبی و تشکیلاتی را به خوبی انجام می‌دادند، در واقع قوی‌ترین تشکیلات بی‌نام، مربوط به همین گروهی است که در این هشت‌سال در قدرت بودند، و از نیروها و افراد خودشان در جاهای مختلف استفاده کردند. حزب یعنی گروهی که همفکر هستند و برای رسیدن به اهداف سیاسی- اقتصادی با یکدیگر همفکری می‌کنند، این تشکیلاتی که در این هشت‌سال در قدرت بود، ماتند یک حزب بدون نام فعالیت کرد، در مقاطع مختلف جلسات داشتند و همفکری می‌کردند، از زمان اشغال لانه جاسوسی، آقای احمدی‌نژاد در لابی جلو لافرفتن‌شان قرار نگیرد و به فضاهای آمنیتی دچار نشوند، احزاب خودشان باید برای هزینه‌هایشان فکری کنند، تأمین پشتیبانی وظیفه احزاب است و اینکه برای کمک به احزاب توقعی از دولت وجود داشته باشد به نظر من نادرست است، ولی اگر کمکی صورت می‌گیرد باید عمومی باشد و نه فقط به یکسری احزاب خاص.

● انتظار ما همان انتظار قانون اساسی است، بیشتر از آن نمی‌خواهیم، همان چیزی که در قانون برای فعالیت حزبی پیش‌بینی شده همان را رعایت کنند کافی است، با احزاب امنیتی برخورد نکنند و بعطور یکسان با گروه‌ها و احزاب سیاسی برخورد داشته باشند، اینطور نباشد که همه امکانات را در اختیار یک گروه قرار دهند و آنها هم از آن تریبون علیه دیگران استفاده کنند.

اگر فضای امنیتی در کشور در آینده برطرف شود این زمینه فراهم خواهد شد که احزاب و گروه‌های سیاسی و همچنین رسانه‌ها فعالیت جدی‌تری داشته باشند و این شامل کارگزاران هم می‌شود. امیدوارم با مستقر شدن دولت جدید فضایی که در طول این سال‌ها شاهد آن بودیم تغییر کند، و به احزاب، نگاه سیاسی و امنیتی نشود.

به هرحال به احزاب رسمی و اصلاح‌طلبی که ما می‌شناسیم بارها اعلام شد که این احزاب جایگاهی ندارند و طبیعتا بارانه‌های آنها هم قطع شد.

البته من اعتقادی ندارم که دولت باید به احزاب، یارانه‌ای پرداخت کند، به نظر من همین که پایی جلو لافرفتن‌شان قرار نگیرد و به فضاهای آمنیتی دچار نشوند، احزاب خودشان باید برای هزینه‌هایشان فکری کنند، تأمین پشتیبانی وظیفه احزاب است و اینکه برای کمک به احزاب توقعی از دولت وجود داشته باشد به نظر من نادرست است، ولی اگر کمکی صورت می‌گیرد باید عمومی باشد و نه فقط به یکسری احزاب خاص.

چشم امید ۱ احزاب به کلید روحانی

بررسی شرایط احزاب و خواسته‌های آنها از دولت آینده

احمدی‌نژاد اگر برای احزاب هیچ کار مثبتی انجام نداد لااقل فعالان سیاسی جریان‌های مختلف؛ به‌ویژه جریانی را که در سال ۸۴ حامی او بود، به این نتیجه رساند که بدون حزب شرایط سیاسی کشور رنگ ثبات و آرامش به خود نخواهد دید. احمدی‌نژاد در همایشی با بیان اینکه «با تشکیل جناح‌بندی‌های سیاسی، فاتحه بعضی از ارزش‌های انقلاب خوانده شد»، گفته‌بود: «نظام ما تنها یک حزب دارد و آن حزب ولایت است.» اظهارات احمدی‌نژاد درباره حزب و فعالیت‌های حزبی در حالی است که بسیاری از اصولگرایان او را برخاسته از حزب می‌دانند و معتقدند اگر حمایت احزاب اصولگرا از او نبود نمی‌توانست در انتخابات راه به جایی ببرد اما خود احمدی‌نژاد بارها و امدادرودن خود به احزاب را نفی کرده است. او هرچند به‌طور کلی احزاب را نفی کرد و اینطور وانمود می‌کرد که اعتقادی به حزب و کار حزبی ندارد، اما فعالیت‌های او خود در حلقه اطرافیانش، اگر نگوییم حزبی بود اما از سوی برخی در قالب فعالیت‌های شبکه‌ای، تشکیلاتی و بادی تعریف می‌شد. عاملی که شاید در تمایل اصولگرایان به کار حزبی بی‌تأثیر نبوده است، عملکرد اصلاح‌طلبان در اجماع روی روحانی و حمایت از او بوده است.

از سوی دیگر در هر دو جریان تمایل به تشکیل احزاب فراگیر به‌شدت افزایش پیدا کرده است که شاید دلیل آن را (به‌خصوص باز در مورد اصولگرایان) نیز بتوان در تاثیرگذاری منفی گروه‌های کوچک سیاسی در فعالیت‌های آنان دانست. حال با روی کار آمدن روحانی احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف برای فعال‌شدن یا فعال‌ترشدن دوخیز کرده‌اند و منتظرند ببینند که رییس‌جمهور منتخب برای احزاب چه به ارمغان خواهد آورد. جمله من «سرهنگ نیستم» رییس‌جمهور در مناظرات حاکی از دیدگاه غیرامنیتی او در فضای سیاسی کشور دارد. حسن روحانی بارها بر اجرای قانون اساسی تاکید کرده و درمورد احزاب نیز اینطور گفته است که «به عنوان رییس‌جمهور منتخب ایران وظیفه‌ام اجرای قانون اساسی است و به این امر پایبندم و برای اجرای تمام اصول قانون اساسی بعوبژه فصل سوم تلاش می‌کنم»، باید منتظر ماند و دید که روحانی در این زمینه چقدر به وعده‌های خود پایبند خواهد بود. به همین منظور با نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف درباره اینکه شرایط احزاب را در طی سال‌های اخیر چگونه ارزیابی می‌کنند؟ رابطه حزب‌شان با دولت احمدی‌نژاد چگونه بوده و انتظارشان از دولت آینده در مورد احزاب چیست؟ گفت‌گو کردیم.

دولت پذیرای نقد باشد

رسول منتجب‌نیا
قائم‌مقام دبیرکل حزب اعتدالی‌ها

● رفتار دولت آقای احمدی‌نژاد را به دو دولت اول و دوم تفکیک می‌کنم؛ در دولت اول ایشان با صدور مجوز و طی مراحل قانونی، ممانعت و مخالفتی برای تشکیل حزب اعتدال ملی صورت نگرفت. گرچه مراسمانه را چندباری برای اصلاح پس فرستادند، اما در کل مشکلی برای تاسیس حزب ایجاد نشد.

اما بعطور کلی در زمان دولت اول آقای احمدی‌نژاد با احزاب، مخالفت لفظی و عملی صورت می‌گرفت. بارها شخص آقای احمدی‌نژاد، وزیرانش‌اند و برخی دیگر از اعضای کابینه درخصوص احزاب صحبت‌هایی کرده بودند که نشان می‌داد آنها احزاب و گروه‌های سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسند. گاهی می‌گفتند ما با داشتن مساجد و روحانیون هیات‌های مذهبی نیازی به حزب نداریم، طوری وانمود می‌کردند که احزاب که جایگاه والایی در قانون اساسی دارند، ستون پنجم هستند، در حالی که دولت باید زمینه‌ساز فراهم‌شدن هر چه بیشتر فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی باشد. در دولت اصلاحات بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی پروانه گرفتند و شروع به فعالیت کردند، حتی جلسانی با حضور وزیرکشور و نمایندگان احزاب برگزار می‌شد و نقطه‌نظرات را از احزاب می‌گرفتند و تعاملی مثبت و سازنده با احزاب صورت می‌گرفت. در دولت دوم هم همین‌طور بود، ما شاهد این بودیم که احزابی که منتقد دولت بودند چگونه مورد هجمه قرار گرفتند، دو حزب مهم و بزرگ اصلاح‌طلبان با حکم قضایی منحل اعلام شدند و از فعالیتشان جلوگیری کردند و وقتی بهانه‌های برای انحلال حزب اعتدالی‌ها نداشتند، به دفتر حزب آمدند و مدارک را بردند. برخورد دولت با گروه‌هایی مثل مجمع روحانیون، همبستگی، مردمسالاری و بعطور کلی احزابی که منتقد دولت بودند برخورد خوبی نبود. بعطور کلی احزاب در دوره آقای احمدی‌نژاد مورد بی‌مهری قرار داشتند و این بی‌مهری نسبت به احزاب اصلاح‌طلب در دولت دوم ایشان به اوج رسید.

ما در دولت اصلاحات شاهد بودیم که وزارت کشور، برای اینکه احزاب نیازی به فعالیت اقتصادی نداشته باشند به گروه‌های سیاسی کمک‌های نقدی و یارانه احزاب را پرداخت می‌کرد. آیین‌نامه‌ای تصویب شد و طبق آن به احزابی که جلسات و فعالیت‌های بیشتری دارند یارانه نقدی بیشتری داده می‌شد. خاطرم است که در همان دوران برخی گروه‌های سیاسی اصولگرا از مجمع روحانیون مبارز یارانه بیشتری دریافت می‌کردند، وقتی اعتراض کردیم گفتند که شما هم فعالیت‌تان را زیاد کنید یارانه بیشتری بگیرید، اما همین یارانه در دولت احمدی‌نژاد یکباره قطع شد.

● از آنجا که احزاب، نماینده افکار عمومی هستند هم باید فضایی مهیا شود تا آنها بتوانند آزادانه در جامعه فعالیت کنند، هم باید برای تاسیس احزاب تسهیلات مناسب را فراهم کنند به نظر من کوتاهی‌ها باید برگردد به فرمان هشت‌مادهای حضرت امام، اگر حزبی می‌خواهد تشکیل شود که به نظام و قانون‌اساسی اعتقاد دارد نباید مورد گزینش و تحقیق قرار گیرد.

رفتار دولت با همه احزاب باید یکسان باشد، نه اینکه یک حزب نورچشمی باشد و بقیه احزاب مطرود، همه احزاب باید مورد حمایت نظام و دولت قرار گیرند و دولت موظف است برای آنها تسهیلاتی را فراهم کند و کمک‌های مادی و معنوی را برای آنها فراهم کند.

کمک‌های مادی مثل همان یارانه‌هایی که در دولت اصلاحات پرداخت می‌شد و کمک‌های معنوی هم از این قبیل که برای احزاب نشست‌ها، جلسات و سمینارهایی برگزار کند. مهم‌تر از همه به نظر من این است که دولت خودش را آماده کند تا احزاب و گروه‌ها و مطیوعات او را نقد کنند. انتقاد دلسوزانه و ناصحانه را به جان بخرد و مورد عمل قرار دهد.

درباره حزب اعتمادملی هم باید بگویم این حزب مجوز فعالیت رسمی دارد- اما از زمان تعطیل تاکنون هیچ جلسه رسمی نداشته و هیچ تصمیمی حزبی اتخاذ نکرده است و ما از سرگیری فعالیت‌های حزب اعتمادملی و منوط به تعیین تکلیف دبیرکل محترم این حزب کردیم و منتظریم که انشاءالله... این موضوع در شرایط کنونی که فضا تغییر کرده است حل شود.

امید به اصلاح قانون احزاب

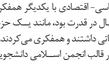

حمیدرضا ترقی
عضو شورای مرکزی «حزب موتلفه اسلامی»

● زمینه فعالیت احزاب طی سال‌های اخیر تاکنون محدود بوده است و قانون فعلی احزاب، جیلوگوی نیاز کشور به فعالیت حزبی، تقویت احزاب و ایجاد انگیزه لازم برای کار حزبی نیست را رشد قابل‌توجهی بلحاظ تقویت نظارت از سوی مردم و افزایش مشارکت سیاسی به‌وجود آورد. با وجود اینکه در دوره آقای احمدی‌نژاد لایحه اصلاح قانون احزاب به مجلس ارایه شد اما پیگیری نشد و تا زمانی که این لایحه اصلاح نشود مشکلات حل نخواهد شد.

● رابطه ما با دولت نهم رابطه خوبی بود و مذاکرات و دیدارها بین موتلفه و شخص آقای عسگراولادی با آقای احمدی‌نژاد انجام می‌شد ولی در دولت دهم این ارتباط تقریبا قطع شد به دلیل مسایل حاشیه‌ای که بوجود آمد و بحث‌هایی که در مورد آقای مشایی مطرح شده بود.

● امیدواریم دولت جدید، قانون احزاب را اصلاح کند تا زمینه فعال‌ترشدن احزاب و در گام بعدی تجمیع اینها در چند حزب قوی فراهم شود و انگیزه مردم برای همکاری با احزاب و مشارکت سیاسی در قالب احزاب را از سوی دیگر افکار کلان‌سازی فراهم شود. انتظار ما در حزب موتلفه از دولت آینده در درجه اول اصلاح قانون احزاب و پیگیری آن است. اگر قانون احزاب اصلاح شود به‌دنبال آن، مسایل مالی و بحث یارانه احزاب نیز اصلاح خواهد شد. یکی از ضروریاتی که دولت آینده باید در نظر بگیرد انتصاب مشاور رییس‌جمهور در امور احزاب است که در ساختار ریاست‌جمهوری آینده انتظار می‌رود که پیش‌بینی شود تا رابط بین رییس‌جمهور و احزاب باشد و حتی زمینه انتقال نظرات مشورتی احزاب به ترتیبی به رییس‌جمهور را هم فراهم کند.

رفع موانع کار حزبی زنان

اشرف بروجردی
عضو «مجمع زنان اصلاح‌طلب»

● در دوره آقای احمدی‌نژاد بسیاری از احزاب تعطیل شدند و کارنامه ایشان، بعطور کلی در مورد احزاب، کارنامه جالبی نیست بلکه متفاوته و تخریب‌شده است. در هشت‌سال اخیر نه‌تنها بسیاری از احزاب به تعطیلی کشیده شدند بلکه هیچ حزبی هم به معنای واقعی نتوانست شکل بگیرد و کار حزبی که می‌توانست جامعه را به سمت تجمیع گرایش‌های مختلف و متمرکزکردن آنها سوق دهد نتوانست کاری از پیش ببرد که البته آقای احمدی‌نژاد ابزار و سبک خود را داشت؛ زمینه انتقال نظرات مشورتی احزاب به ترتیبی به رییس‌جمهور را هم فراهم کند.

● یکی از دغدغه‌های ما درباره کار حزبی در حوزه زنان است. علاوه بر اینکه حضور زنان در احزاب پررنگ و معنادار نیست از سوی دیگر حضور آنان در احزاب مختص زنان هم چشمگیر نبوده است که این به دلیل موانعی است که بر سر راه کار حزبی وجود دارد و ما امیدواریم دولت آینده این موانع را برطرف کند.

● انتظار از دولت آقای روحانی این است که زمینه فعالیت‌های حزبی را فراهم کند. اگر کار حزبی به‌معنای واقعی آن ممکن شود آنگاه می‌توانیم امیدوار باشیم که به جامعه بانبات‌تری دست یابیم تا زمانی که در جامعه احزاب قوی و شناسنامه‌دار شکل نگیرد، همچنان شاهد افت‌خیزها در حوزه‌های مختلف در جامعه خواهیم بود و ثباتی ایجاد نخواهد شد. ثبات فکری، سیاسی و ساختاری در جامعه از خلال حزب امکان‌پذیر است چرا که یکی از اساسی‌ترین نتایج کارهای حزبی کارسازی است و ما این نیاز را به‌خوبی در این مدت احساس کرده‌ایم. کارسازی نمونه خوبی برای بیان اهمیت کار حزبی است.

رابطه ما با احمدی‌نژاد به‌هم خورد

حسن بیادی
تایپ‌رییس «جمعیت آبادگران»

● احزاب جایگاهی در ایران ندارند و ساختار اجرایی و قوانین کشور پذیرای حزب نیست اگرچه حل بسیاری از معضلات ساختاری و مشکلات کشور از طریق حزب و کار حزبی ممکن است. چیزهایی که ما الان تحت عنوان حزب داریم حزب نیستند و بیشتر به قبیله شباهت دارند تا حزب. حزب ساختار، مناسبات و روابطی دارد که در بین احزاب ما خوب تعریف نشده است. مثلا حزب جمهوری‌اسلامی تشکیل شد اما کم‌کم به سمت این رفت که حزب، دولتی شود و در نتیجه کارکردش را از دست داد. اثرگذاری اجرایی که الان فعالیت می‌کنند در بهترین حالت بین ۱۰ تا ۲۰درصد است.

● درمورد رابطه جمعیت آبادگران با آقای احمدی‌نژاد هم رابطه شخصی ما به هم نخورد، رابطه کاری‌مان به هم خورد. کلا فعالیت احزاب در این چند سال هم تقریبا با شدت و ضعف‌های متفاوت یکسان بوده است.

● بهبود فضای فعالیت حزبی به آقای روحانی مربوط نمی‌شود ساختار کشور در این زمینه کلا غلط است. مجموعه نظام باید حزب را بپذیرد خود آقای روحانی هم از طریق جریان بالا آمده و حزبی نیست و به همین خاطر فرد بابه کسی پاسخگو نخواهد بود. مجموعه نظام باید بپذیرد که حزب و فعالیت حزبی ضرورت دارد.

بیادی در دوره اول کاندیداتوری محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۴ از او حمایت کرد، اما بعد از به قدرت‌رسیدن محمود احمدی‌نژاد سیاست‌های راهبردی او را مغایر با اهداف اولیه دانست و به انتقاد از سیاست‌های او پرداخت. بیادی در انتخابات دهم ریاست‌جمهوری ۸۸ به محسن رضایی پیوست.

احمدی‌نژاد احمدی‌نژاد را تحریم کرد

حمید قزوینی
عضو مجمع نیروهای خط امام(ره)

● دولت نهم و دهم با وجود اینکه خود کاملا تشکیلاتی و بادی عمل می‌کرد اما به هیچ وجه مناسبات حزبی را برنمی‌تافت و نگاه ضدحزبی عمل می‌کرد و حاضر نبود اجازه دهد که احزاب بتوانند به طور آزاد و در یک فضای شفاف فعالیت کنند و لذا اصلا برای احزاب فضای سالمی برای فعالیت وجود نداشت و روز به روز بدتر هم می‌شد؛ نه‌تنها اصلاح‌طلبان بلکه احزاب اصولگرا نیز در تنگنا بودند و امکان برگزاری جلسات، دریافت مجوز برای فعالیت و چاپ نشریه نداشتند که اوج آن در برخورد با خانه احزاب بود که وزارت کشور آن را بست و در واقع بلایی که سر خانه سینما آوردند سر خانه احزاب آمده بود.

● دومین شرط احزاب در دوره آقای احمدی‌نژاد این بود که باید احزاب موجود از فرجام افکار همه‌جانبه‌ای برای تقویت و ساماندهی و توسعه تشکیلاتی در سطح ملی و جمع کوشش فریاد نکنند و وظایف خود را به خوبی تعریف کنند و به آن پایبند باشند.

حزب سیاسی مثل یک شرکت تجاری است که هر جفتر ریشه‌دار و متکی بر اصول باشد از احترام بیشتری برخوردار خواهد بود. احزاب خلق‌الساعه و مقطعی، نقش موثری در ساماندهی کشور نخواهند داشت و ممکن است چند روزی نقشی به نرخ روز بخورند اما هرگز نمی‌توانند نقش اساسی در ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی کشور داشته باشند. پس اگر کسانی با ورود در قالب گروه‌ها و حزب سیاسی می‌خواهند نقشی در ارتقای کشور داشته باشند باید به سازماندهی حزب خود یا جدیدت بپردازند وگرنه فرصت‌طلبهایی نقلی می‌شوند که در درازمدت جایگاهی نخواهند داشت.

در گذشته جریان‌هایی با وجود اینکه خود یک گروه یا حزب بودند اما مرجا

احمدی‌نژاد احمدی‌نژاد را به‌هم زد

حمید رضا رحیمیان
عضو جامعه اسلامی مهندسین

● جامعه اسلامی مهندسین همواره منش تعادلی خود در جریان اصولگرایی را دنبال کرده است و ما در چارچوب اصولگرایی تلاش کرده‌ایم در دوران اصلاحات و چه در دوران اصولگرایی یعنی دوره آقای احمدی‌نژاد از رعایت کیسم اما در دولت‌های نهم و دهم به احزاب بی‌مهری شد. در دوران اصلاحات هم اگرچه احزاب وضعیت چندان مطلوبی نداشتند اما الاقل به آنان بی‌مهری نشد.

● متاسفانه آقای احمدی‌نژاد که خود از حزب رشد کرد و از عناصر جامعه اسلامی مهندسین بود، بعدها به آن پشت پا زد و حزب را نفی کرد در حالی که حزبی‌بودن در نظر ما ارزش است نه ضد ارزش.

البته قوانین مربوط به احزاب در حال حاضر قوانین کاملی نیستند قوانین اشکالات جدی دارند اما من معتقدم اصلاح قانون باید از طرف خود احزاب مطالبه شود چون طبیعی است حکومت در این زمینه به نفع خود عمل می‌کند.

احمدی‌نژاد احمدی‌نژاد را محدود کرد

فرامرز حکمت، دبیر حزب اعتدال و توسعه استان آذربایجان‌غربی و دبیر شورای هماهنگی اعتدال‌گرایان پیرو ولایت است، او که سال‌ها فعالیت حزبی را تجربه کرده، از برخورد دولت نهم و دهم با احزاب و توقع احزاب از دولت یازدهم با شرق، گفت‌وگو کرده است.

گ برخورد دولت احمدی‌نژاد با حزب شما چگونه بود؟

رابطه‌ای بین دولت احمدی‌نژاد با سایر احزاب نبوده است. با توجه به همین روند با حزب اعتدال و توسعه هم رابطه‌ای نداشته است. احمدی‌نژاد حزب‌گرا نبود و اعتقادی به کار حزبی هیچ حزبی و گروهی نیست و اساسا در انتخابات در نهم ریاست‌جمهوری تشکل ایثارگران و برخی تشکل‌های اصولگرایان ایشان را حمایت کردند، با این حساب او بعد از به قدرت رسیدن گفت باید احزاب حزبی نیستم و پس از آن هم همان مناسبتی بین احزاب و احمدی‌نژاد وجود نداشت در حالی که قبل از ایشان، بارانه‌ای به احزاب تعلق می‌گرفت که در دولت خاتمی بنای آن گذاشته شده بود. با قطع این یارانه توسط دولت نهم، احزاب کمتر فعال شدند. در زمان خاتمی این بارانه‌ها بسیار مهم بود، یعنی با اهمیت بیشتر به احزاب شده بود. یکی از مصادیق بارز رابطه خاتمی با احزاب، همین تخصیص یارانه‌ها بود اما دولت احمدی‌نژاد هیچ‌گاه بسیاری برای فعالیت حزبی مهیا نکرد، بلکه فضا را برای احزاب تنگ‌تر کرد و بسیاری از احزاب لغو شدند یا نتوانستند فعالیت کنند. قطع یارانه احزاب، اتحال بعضی از احزاب و زمینه منحل‌کردن برخی از احزاب سیاسی دیگر و عدم صدور مجوز برای احزاب جدید، نشان‌دهنده نوع نگاه احمدی‌نژاد به احزاب است.

گ دو دولت احمدی‌نژاد به حزب شما چقدر یارانه پرداخت شد؟

در دوره احمدی‌نژاد در همان آغاز راه یارانه احزاب قطع شد و بارها دبیرکل‌ها به احزاب هشدار داد از دخالت در کار خودداری کنند و مجلس هم طرح اصلاح قانون احزاب را در دستور کار خود قرار داد حزب اعتدال و توسعه و دیگر احزاب هم با همین برخوردها روبه‌رو بودند. متاسفانه دولت نهم به جای اینکه بستری برای توسعه سیاسی و فعالیت نهادهای مدنی فراهم کند آنها را محدود کرد یا افتخار هم اعلام کرد که به حزب‌سازی ندارد.

گ انتظار حزب شما از دولت آقای روحانی چیست؟

روحانی باراه اعلام کرد «همه مطالبات قانونی همه احزاب و گروه‌ها، مدنظر خواهد بود؛ ما هم امیدواریم این بستر فراهم شود و احزاب تشکل‌ها جایگاه خود را پیدا کنند. با توجه به عقبه فکری روحانی و ارتباطش با احزاب امیدواریم پس از پایان مراسم تحلیف و تنفید، احزاب بتوانند فعالیت کنند. تنها خواسته ما از روحانی عمل کردن به وعده‌هایمان است که با توجه به شناختی که از او داریم اطمینان داریم در این مسیر، کوتاه خواهد بود.

جامعه‌شناسی انتخابات یازدهم

رضا علیزاده

انتخابات یازدهم در حالی به پایان رسید که بحث‌های مختلفی پیرامون چگونگی پیدایش و شکل‌گیری روند انتخاب آقای دکتر روحانی در جامعه و بهویژه رونمایی‌کردن و دانشگاهیان در گرفته است که می‌کوشد از افراد و گروه‌ها از منظری به این رویداد می‌نگرند این نوشته سعی دارد از منظر جامعه‌شناسانه چند نکته بسیار مهم را مورد نقد بگیرد.

۱-هدایت سیاسی: نیکلاس لومان جامعه‌شناس آلمانی اعتقاد دارد در جامعه پیچیده امروز که هر سیستم از خردسیستم‌های گوناگون مثل حقوق، علم، فرهنگ، هنر، سیاست و... تشکیل شده است و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند و محوریت بی‌معناست، هدایت سیاسی بی‌معنا خواهد بود. انتخابات سال ۱۳۹۲ که حتی تا دو هفته قبل از آن، برای بسیاری، نتایجش کاملا مشهود بود، یعنی برتری یک جناح اصولگرا و نداشتن وزن رقابتی در ازدواگه رقیب، تا جایی که حتی گاهی اصولگرایان تصور دایمی‌بودن این پست را برای خود از ذهن دور نمی‌کردند. نشان داد که آلبلیزکردن انتخابات و جهت‌دهی از طرق سازمان‌های دولت و تست‌کردگی حزب، چه در تبعات سمپه‌تیکی، برای آنها خواهد داشت، تا جایی که در سخنان بسیاری از چهره‌های اصولگرا در دو روز مانده به انتخابات، احتیاطی و عصبانیت مانند پسامکی‌گویی کاندیداهای اصولگرا در نزد خداوند در روز قیامت هم شنیده می‌شد. به این ترتیب دانستن قدرت اقتصادی، سیاسی و... ضمانتی برای پیروزی و هدایت افکار به یک طیف یا جریان خاص نیست.

۲-تردیدان در حزب دمی: یکی از تفدهایی که همیشه به جامعه ایرانی می‌شود فقدان کل و خرد جمعی است (که در درسی این امر جای شگوفتر بدود وجود دارد) انتخابات یازدهم نشان داد که می‌توان به درخت جمعی در تن داد و سود فردی را فدای یک امر جمعی کرد. به همین دلیل، مشارکت گروهی نه توده‌ای، از نقساط عطف این انتخابات بود. حضور دکتر عارف در هیبت یک کاندیدا از جناح اصلاح‌طلبان و نه تفکر کاندیدایی که حداقل به اسم و عنوان، به اردوگاه اصلاح‌طلبان تعلق نداشت، کاری بود جالب و ماندگار. از سوی دیگر، بسیاری از شهروندان در انتخابات اخیر، صرفا رای‌دهنده نبودند، بلکه کنشگر سیاسی بودند. هرچند در طالع خیابان‌ها ستادها و بنرها در دست اصولگرایان بود، لیکن، یکی از عوامل تسریع در موج رأی‌آوری آقای دکتر روحانی، تلاش بسیاری از رای‌دهندگان با استفاده از شبکه‌های پیامکی و اینترنتی برای ترغیب تحریم‌کنندگان به‌عنوان یک کنشگر فعال، نه صرفا در نظر گرفتن خود به عنوان یک فرد یا یک رای در انتخابات، بنی‌اسر اعم رأی‌ای از دعوت‌های پیامکی به شرکت در انتخابات در دو روز مانده به انتخابات سوجوت کرد.

۳- پذیرش مخالفین: یکی دیگر از نکات برجسته انتخابات اخیر، توجه به نظراتی به این قضیه نیز کمک کرد. ضمن آنکه اصولگرایان واقعیین با قبول ضعف‌های خود در عدم رأی‌آوری، تحلیل‌های مستدل‌تری پیرامون دلایل شکست خود داشته و سعی کردند فارغ از هیاهو و شعارزدگی، باخت خود را در انتخابات پذیرفته و به آینده امیدوار باشند.

۴- بازگشت سرمایه اجتماعی: هرچه دموکراسی در یک جامعه از شفافیت بالایی برخوردار باشد، میزان اعتماد بین شهروندان و حاکمیت، افزایش پیدا می‌کند و از بسیاری شکاف‌های اجتماعی و سیاسی جلوگیری می‌کند. بنابراین سرمایه اجتماعی، اعتماد به همکاری و کنش جمعی برای نیل به دستیابی به سود همگانی است. بعنظر نگارنده انتخابات اخیر توانست تا حدی از زوال بیش‌ازاندازه سرمایه اجتماعی و بعطور ویژه مفهوم اعتماد، جلوگیری کند و سدی بشد بر افزایش موقعه‌های عمر جدید. ورود شخصیت‌های سیاسی فاقد رسانه و حمایت از کاندیداتوری آقای دکتر روحانی، قبل مردم به آنها اطمینان داد، نظام جمهوری اسلامی به همه برای صیلت از آرای ملی، کمرنگبودن توهین و تخریب در جریان فعالیت‌های تبلیغاتی، شادی و خوشحالی مردم پس از رأی‌آوردن آقای دکتر روحانی و عدم خفوشنان کشیدن آقای دکتر روحانی بعد از پیروزی را می‌توان شاهد سازمان‌های احیای سرمایه و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان دانست.

اما نکته آخر، حل کل فضای امید به کشور بازگشته است. با درنظرگرفتن بسیاری از مسایل، باید به نکات زیر توجه شایان کرد:

۱- همان گونه که دکتر روحانی تاکید داشتند، ایشان امروز، رییس‌جمهور ایران است، اما در یک کشور دموکراتیک درنظرگرفتن مطالبات اکثریت رای‌دهنده با حفظ حقوق اقلیت از نکات رشد و بالندگی آن جامعه است. بنابراین توجه به این نکته بسیار ضروری است.

۲- توجه به شایسته‌سالاری در چینش کابینه، در کنار حرکت به سمت برآوردن مطالبات مردم، میسر است. بنابراین لازم است دکتر روحانی توجه به ظرفیت و توان را فارغ از دعواهای سیاسی در نظر گرفته و برای خوشحالی با سکوت خوبی به چیدمان کابینه نپردازد. زیرا در اسرع وقت این چهار سال به سر خواهد آمد و همین رأی‌دهندگان فعلی در سال ۱۳۹۶ به ارزیابی عملکرد‌ها خواهند پرداخت.

۳- یکی دیگر از مطلوبیت‌های دولت آینده باید توسعه و گسترش نهادهای حد واسط مردم و حکومت با نهادسازی باشد. مشارکت جوانان و مردم در توسعه کشور مستلزم داشتن بستر مناسب است. لذا لازم است فعالیت‌های حزبی، صنفی و مدنی در کشور تقویت شود. به این ترتیب رییس‌جمهور و گروه برنامه‌ریز به «شدن» فکر کنند نه «بودن»، به «روندها» توجه کنند نه «پیروزها».

نگاهی به رابطه دولت‌های نهم و دهم با احزاب

موتور روشن، چراغ خاموش

مهسا جزینی

«یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های فعالیت دولت، در بخش آزادسازی بود. یکی از آزادسازی‌ها این بود که نظام احزابی کشور را از قید مطالبات بی‌پایان احزاب رها کردیم. این دولت هیچ نیازی به حزب ندارد و من یک‌بریال به احزاب باج نخواهم داد.» این نکته محمود احمدی‌نژاد به تجزیه، دوسال بعد از کار آمدنش در شهریورماه ۸۶ بود. او همان زمان هم گفت با تشکیل جناح‌بندی‌های سیاسی، فاتحه بعضی از ارزش‌های انقلاب خوانده شد، نظام ما تنها یک حزب دارد و آن حزب ولایت است.»

این سگاه در طول این سال‌ها هیچ تغییری نکرد و بلکه به یکی از محوری‌ترین شعارهای کشور تبدیل شد. تا جایی که او تیرماه امسال در نشست تلویزیونی خود‌ترا تکرار کرد: «عده زیادی باور کرده بودند که عرصه ریاست‌جمهوری متعلق به احزاب و گروه‌هاست و من رابطه‌ام با احزاب و گروه‌ها خوب نبود و آنها نمی‌دانستند چرا داشتند و باور بود من به این عرصه مخالف بوده و برخی فشارهایی وارد کردند که این اتفاق رخ ندهد و هیچ گروه و حزبی از من حمایت نکرد و رییس‌جمهور نباید باهدار هیچ احدی باشند.»

اگرچه رییس‌جمهوری معتقدند که حمایت گروه‌های اصولگرا در دور دوم انتخابات ۸۴ عامل مهمی در انتخاب محمود احمدی‌نژاد بود اما وقتی رییس دولت رای خودش را برآمده از حمایت هیچ حزب و گروهی نداند و به این «اوماد» نبود، هم افتخار کند طبیعی است که نمی‌توان از او انتظار حمایت از احزاب را داشت.

این ویژگی گاه از سوی احمدی‌نژاد به عنوان یکی از نقاط مثبت رییس دولت هم تلقی شده است. این نگاه رییس دولت اما به شدت تنوی ذوق آن دسته از اصولگرایانی خورده است که حمایت هیچ حزب و گروهی را فعالیت حزبی هستند و هم معتقدند که در به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد نقش داشته‌اند، احمدی‌نژاد حزب‌گرا نبود، بلکه موتلفه با اشاره به اینکه نبود تحزب خدمات احمدی‌نژاد را بر باد داده گفته است: «کسی که وابسته به حزب است متصل به یک ظرفیت فکری و یک شناسنامه محسوب می‌شود و نمی‌تواند این شناسنامه را زیر پا گذارد. در مقابل فردی که به یک ساختار پویاییی متکی است آرزش پیدا می‌کند چون وابسته به هیچ حزبی نیست و وابسته به استفاده از احساسات پویاییی است.»

با این حال بسیاری اعتقاد دارند که رابطه احمدی‌نژاد و تحزب دو روی سکه دارد. در حالی که برخی نیز تمایل جناح‌بندی به یادآوری روی دیگر سکه ندارد، اما دیگران از خاطرشان نرفته است که زمانی تشکلی به نام ائتلاف ایادگران ایران اسلامی تولدت در جریان دومین انتخابات شورای‌اسلامی موفق به تصاحب ۱۴کرسی از ۲۱کرسی شورای شهر یازدهمین شوت و در انتخابات مجلس هفتم هم تمامی ۳۰ کرسی تهران در مجلس شورای اسلامی را به خود اختصاص داد. این تشکل محمود احمدی‌نژاد را به شهرداری تهران رساند. در جریان انتخابات نهم شورای شهر «محمود احمدی‌نژاد و «حسین قدایی» مسولیت انتخاب کاندیداها و تهیه لیست انتخاباتی را در تهران، مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها هم‌به‌